

بسم الله الرحمن الرحيم

سیره سیاسی امام حسن عسگری (علیه السلام)

زامداران عباسی با توجه به اخبار قطعی که در مورد امام زمان (عج) از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند، می دانستند که او دوازدهمین وصی پیامبر و از فرزندان امام حسن عسگری علیه السلام است که بعد از او، رهبری شیعیان را بر عهده می گیرد و پس از غیبت طولانی، ظهور نموده، جهان را پر از عدل و داد می کند. از این رو عباسیان تلاش گسترده ای را آغاز کردند، تا او را شناسایی نموده و به شهادت برسانند. امام یازدهم (ع) با آگاهی از این توطئه دشمن، سیاست تمهیدی خود را در مورد امام آینده شیعیان، در سه محور مهم پی ریزی کرد: بسترسازی برای میلاد مهدی (ع)؛ حفظ و حراست از آن وجود مبارک و آماده سازی افکار شیعه، برای غیبت طولانی.

تاریخ اسلام از آغاز تا امروز، مسیر پرفراز و فرودی را پشت سر نهاده است. در مجموع آنها را در ادوار و اعصار زیر می توان نمودار

ساخت: عصر رسالت، عصر خلافت، عصر امامت، عصر سلطنت و  
عصر سقوط و انحطاط.

عصر سلطنت موروثی، زمان معاویه از سال ۴۱ هجری تا سال ۶۵۶  
سقوط عباسیان را شامل است. در این عصر که متأسفانه به نام  
خلافت اسلامی مشهور است، حکومت بر پایه وراثت پایه ریزی و  
با «ملاک خلافت» فرزند خلیفه بودن، بدون هیچ گونه محوریت علم  
و تقوا و لیاقت، از زمان معاویه آغاز، و با پیدایش عباسیان ادامه یافت  
و با سقوط بغداد و سقوط عثمان در سال ۱۹۱۸ میلادی پایان  
پذیرفت.

این عصر، عرصه مبارزه منفی و مثبت و نظری و عملی با سیره و  
سنت نبوی و پیدایش بدعتهای تلخ و ناگوار دینی و عصر ضعف و  
هرج و مرج اجتماعی و سیاسی است.

موقعیت خاصی که حکومت دینی چون کوه عظیم برف در برابر آفتاب، به نمایش درمی آمد و روز ب هر روز به تحلیل می رفت در حدی که از سال ۲۳۲ هجری حکومت مرکزی، خلافت بغداد عملاً متلاشی شده، خلیفه صرفاً یک عنوان تشریفاتی به خود گرفت، بدون آنکه نقشی در سیاست ایفا کند. در چنین موقعیتی، امام حسن عسگری علیه السلام در مدینه منوره، تولد یافت.

امامان شیعه، قطب نمای رهبری، فعالیت‌های فکری و تربیتی خود را به مقتضای زمان و متناسب با فضای سیاسی جامعه، تنظیم می کردند. از این رو برای دست یابی به سیره سیاسی امام حسن عسگری علیه السلام باید جوّ سیاسی حاکم بر زمان آن حضرت را به دست آوریم: حاکمان اشغالگر بنی عباس، گرچه از بدو سلطه اهریمنانه، شیعیان را به ویژه رهبران معصوم علیهم السلام را در اختناق شدید قرار می دادند و از اعمال هر گونه فشار و اختناق نسبت به ابناء الرضا علیهم

السلام (امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و امام عسکری(ع)) فروگذار نمی کردند.

ایشان در مدت امامت خود با سه تن از خلفای عباسی: معتز، مهتدی و معتمد معاصر بود. هر یک از آنها در جنایت از دیگری بدتر بود. به همین جهت، شرایط سیاسی، برای امام عسکری علیه السلام بدتر و تنگ تر می گشت، در حدی که خود آن حضرت می فرماید: هیچ از پدرانم چون من گرفتار شک و تردید شیعیان در امامت نشدند. [۱]

فشارها و محدودیتهای امام حسن عسکری(ع) به دو علت بیشتر از دو پیشوای دیگر بود:

۱- در زمان امام عسکری علیه السلام، شیعه به صورت یک قدرتی عظیم در عراق درآمده بود. همه مردم می دانستند که این گروه بخ

خلفای وقت، معترض بوده و حکومت هیچ یک از عباسیان را مشروع و قانونی نمی داند؛ بلکه معتقد است که امامت در فرزندان علی علیه السلام باقی است. در آن زمان شخصیت ممتاز این خانواده امام حسن عسکری (علیه السلام) بود.

گواه قدرت شیعیان، اعتراف «عبیدالله»، وزیر «معمد عباسی»، به این موضوع است. توضیح اینکه بعد از شهادت حضرت عسکری (ع)، برادرش جعفر «کذاب» نزد عبیدالله رفت و گفت: منصب برادرم را به من واگذار. من در برابر آن سالیانه بیست هزار دینار به تو می دهم. وزیر به او پرخاش کرد و گفت: احمق! خلیفه آن قدر به روی کسانی که پدر و برادر تو را امام می دانند، شمشیر کشید تا بلکه بتواند آنان را از این عقیده برگرداند، ولی نتوانست. و با تمام کوشش هایی که کرد توفیقی به دست نیاورد. اینک اگر تو در نظر شیعیان امام باشی نیازی به خلیفه و غیر خلیفه نداری. و اگر در نظر آنان چنین مقامی

نداشته باشی کوشش ما در این راه کوچک ترین فایده ای نخواهد داشت.

۲- خاندان عباسی و پیروان آنان، طبق روایات و اخبار متواتر، می دانستند مهدی موعود که تار و مار کننده کلیه حکومت‌های خودکامه است، از نسل حضرت عسکری-علیه السلام- خواهد بود. به همین جهت پیوسته مراقب وضع زندگی او بودند تا بلکه بتوانند فرزند او را به چنگ آورده و نابود کنند(همچون تلاش بیهوده فرعونیان برای نابودی موسی!) [۲]

پس به دلایل یاد شده، فشار و اختناق در مورد امام یازدهم فوق العاده شدید بود و از هر طرف او را تحت کنترل و نظارت مستقیم داشتند. نمونه های زیر شاهد این مدعا است: الف. حکومت، امام عسکری (ع) را به جبر و اکراه واداشت تا هر هفته روزهای دوشنبه و پنجشنبه در دربار حاضر شود غیبت او به معنای داشتن فعالیت سیاسی تلقی می

شد. «معتز» و سپس «مهتدی» عباسی به این مقدار بسنده نکرده بلکه او را زندانی کردند و دستور ترور و نابودی او را به «سعید حاجب» صادر نمودند. [۳]

ب. داشتن دیدار با امام (ع) یک حرکت سخت سیاسی و یک اقدام خطرآفرین شده بود تا حدی که یکی از یاران امام (ع) می گوید: ما گروهی بودیم که وارد سامراً شدیم و مترصد روزی بودیم که امام از منزل خارج شود تا بتوانیم او را در کوچه و خیابان ببینیم. در این هنگام، نامه ای بدین مضمون از طرف امام به ما رسید: هیچ کدام از شما بر من سلام نکنند، و با دست خود به سوی من اشاره ننمایند «فانکم لا تأمنون علی انفسکم» زیرا شما در امان نیستید. [۴]

شیوه های سیاسی امام علیه السلام سیره سیاسی امام حسن عسکری علیه السلام بر چهار روش استوار بود و در طول امامت شش ساله

خود، با این شیوه ها توانست موقعیت خود را تثبیت و جامعه تشیع را به چشمه سار سعادت رهبری نماید:

### ۱- روش ارتباطی

در زمان امام عسکری علیه السلام تشیع در مناطق مختلف و شهرهای متعددی گسترش و شیعیان در نقاط فراوانی تمرکز یافته بودند. مناطقی مثل کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آوه، مدائن، خراسان، یمن، ری، آذربایجان، سامرا، جرجان، بصره و حله، از پایگاههای شیعیان به شمار می رفت.

این گستردگی و پراکندگی مرکز تجمع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاب می کرد تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت از یک سو و ارتباط آنان را با یکدیگر از سوی دیگر برقرار سازد. و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی رهبری و سازماندهی

کند و آن از راه های مختلف وکالت، پیک و پیام و شبکه مکاتبه صورت می گرفت.

### الف. شبکه وکالت:

بدین منظور، شبکه ارتباطی وکالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون به مورد اجرا گذاشته شد و این روش در آن زمان بهترین سیستم ارتباطی بود. به گواهی اسناد و شواهد تاریخی، امام عسکری علیه السلام نمایندگانی از میان چهره های درخشان و شخصیت‌های برجسته شیعیان برگزیده، در مناطق متعدد منصوب کرد و با آنان در ارتباط بود. از این طریق پیروان تشیع را در همه مناطق زیر نظر داشت و نمایندگان نسبت به مناطق شیعه نشین زیاد بودند که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف. ابراهیم بن عبده: او نماینده امام علیه السلام در، نیشابور بود که خود امام به صراحت طی حکمی او را به نیابت از جانب خود تعیین و به عبدالله بن «حمدویه بیهقی» نوشت: من ابراهیم بن عبده را برای

دریافت حقوق مالی آن سامان و ناحیه شما منصوب کردم و او را  
وکیل امین و مورد اعتماد خویش نزد پیروان خود قرار دادم. تقوا در  
پیش گیرید و مراقب باشید و وجوه مالی واجب را بپردازید که هیچ  
کس در ترک یا تأخیر پرداخت آن معذور نیست. [۵]

ب. احمد بن اسحاق قمی اشعری، استاد شیخ صدوق، رابط رسمی  
بین امام و قمی ها بود و از اصحاب خاص و نماینده امام ابو محمد  
عسکری (ع) بود. [۶]

ج. «ابراهیم بن مهزیار» اهوازی و محمد بن عثمان عمری از دیگر  
وکلا و نمایندگان رسمی آن حضرت بودند. [۷]

ب. شبکه پیک و پیام:

امام عسکری(ع) افزون بر شبکه ارتباطی وکالت و نصب نماینده، از راه اعزام پیک با شیعیان و پیروان خود ارتباط برقرار می ساخت. از این رهگذر مشکلات آنان را برطرف می ساخت و در این زمینه می توان از فعالیت‌های دو تن از یاران امام(ع) یاد کرد: یکی، «ابوالادیان» از نزدیک ترین یاران امام(ع) که پیک‌ها و پیام امام(ع) را به پیروان آن حضرت می رساند و متقابلاً مشکلات، خمس و دیگر وجوه ارسالی شیعیان را دریافت و در سامرا به محضر امام عسکری می رساند.

دوم، «داود بن اسود» خدمتگزار امام و مأمور هیزم کشی و گرم کردن حمام خانه حضرت عسکری بود. او علاوه بر آن در مواردی هم پیک و پیام امام(ع) را می رساند. او یکی از مأموریت‌هایش را به امام گزارش می دهد: می گوید: روزی امام مرا خواست و چوب مدور و بلند و کلفتی مانند پایه در به من داد و فرمود: این چوب را بگیر و نزد «عثمان بن سعید» ببر و به او بده. من چوب را گرفته، روانه شدم. در راه به یک نفر سقا برخوردم. قاطر او راه مرا بست. سقا از من

خواست حیوان را کنار بزنم. من چوب را بلند کردم و به قاطر زدم. چوب شکست و من وقتی محل شکستگی آن را نگاه کردم، چشمم به نامه هایی افتاد که در داخل چوب بوده است. به سرعت چوب را زیر بغل گرفته و برگشتم و سقا مرا به باد فحش و ناسزا گرفت. وقتی به خانه امام رسیدم «عیسی» خدمتگزار امام کنار در به استقبال آمد و گفت: آقا و سرورت می گوید: چرا قاطر را زدی و چوب را شکستی؟ گفتم: نمی دانستم داخل چوب چیست؟ امام فرمود: چرا کاری می کنی که مجبور به عذر خواهی شوی؟ مبادا بعد از این چنین کاری کنی. اذا سمعت لنا شاتما فامض لسبیک الّتی بها و ایاک ان تجاوب من یشتمنا، او تعرّفه من انت. [۸]

اگر شنیدی کسی به ما ناسزار می گوید، راه خود را بگیر و برو و با او مشاجره نکن و خود را به وی معرفی مکن تا بداند که تو چه کسی هستی. امام در ادامه فرمود: ای داود! ما در شهر و دیار بدی زندگی می

کنیم. تو فقط کار خود را بکن و یقین بدان که گزارش کارهایت به ما می رسد.[۹]

### ج. شبکه مکاتبه:

با نظر به شرایط سیاسی و اختناق شدید، آن حضرت از راه مکاتبه و ارسال نامه های فوری، پیوسته با دوستان و پیروانش در ارتباط بود و از این طریق، آنان را در زیر چتر هدایت خود قرار می داد.

این نامه ها، غالباً محرمانه ارسال می شد. زیرا به منزله اعلامیه هایی بود که دست به دست می گشت و موجب بیداری شیعیان در برابر طاغوتها و گروهکهای باطل و منحرف می شد.

بعضی از آنها نامه های طولانی بود که برای اشخاص می فرستاد. مجموع آنها، به صورت میراث مهم فرهنگی و به نام «مکاتبات

الرجال» در ردیف تألیفات ارزشمند امام حسن عسکری (ع) به یادگار مانده است. [۱۰] که نامه های حضرت به مردم قم و آوه و نیز نامه وی به شیخ ابن بابویه قمی پدر شیخ صدوق قدس سره معروف است. [۱۱] امام (ع) حتی ساعاتی پیش از شهادتش، نامه هایی به مردم مدینه نوشت و هدف از نگارش آنها، ارائه رهنمود در موضوعات مختلف به منظور آگاهی دادن آنها، در مقوله غیبت صغرا و آماده سازی برای غیبت کبرا بود.

## ۲- روش سرّی و تقیّه محور

امام حسن عسکری (ع) به رغم محدودیت شدید دوستان خود را رها نمی کرد. بلکه حتی از زندان حال آنان را تفقد می کرد و مشکلات آنها را حل و فصل می نمود. ابو یعقوب می گوید: ابو محمد از زندان به اصحاب و شیعیان خود پیام می داد که در تاریخ معین، در فلان نقطه یا در خانه فلانی اجتماع کنند و مرا در آنجا ببینند.

با اینکه مأموران زندان که مراقب او بودند یک لحظه از او جدا نمی شدند و پیوسته عوض می شدند و به شدت او را کنترل می کردند و شب و روز نگهبانان حرکات او را زیر نظر داشتند با این همه، وقتی که اصحابش به آن وعده گاه می رسیدند، می دیدند که امام(ع) زودتر از همه در آنجا حضور یافته است.

اصحاب نیازهای فکری اجتماعی و اقتصادی خود را با آن حضرت در میان می گذاشتند و رهنمودهای لازم را به آنان ارائه می داد. سپس آنها با سلامتی به خانه های خود و امام به زندان برمی گشت. [۱۲]

«عبدالعزیز بلخی» -یکی از یاران امام(ع) -می گوید: روزی در خیابان منتهی به بازار نشسته بودم. ناگهان امام حسن عسکری(ع) را دیدم که به سوی دروازه شهر حرکت می کرد. در دلم گفتم خوب است فریاد کنم که: مردم! این حجت خداست، او را بشناسید ولی با خود گفتم در این صورت مرا می کشند. امام(ع) وقتی به کنار من

رسید و من به او نگریستم، انگشت سبّابه را بر دهان گذاشت و اشاره کرد که سکوت! من به سرعت پیش رفتم و بوسه به پاهای او زدم. فرمود: مواظب باش، اگر فاش کنی، هلاک می شوی. شب آن روز به حضور امام رسیدم. فرمود: باید رازداری کنید و گرنه کشته می شوید. خود را به خطر نیندازید. [۱۳]

در اثر محدودیتهای شدید دستگاه خلافت، نه تنها خود امام (ع) با تقيّه و به صورت سرّی فعالیت می کرد، بلکه حتّی وکلا و نمایندگان آن حضرت نیز، با شیوه های پنهانکاری و به دور از چشم بیدار و مراقب جاسوسان دربار، دست به فعالیتهای سیاسی می زدند. برای نمونه؛ «عثمان بن سعید عمری» که از نزدیک ترنی یاران امام بود، با پوشش روغن فروشی فعالیت می کرد. شیعیان حضرت عسکری علیه السلام، اموال و وجوهی را که می خواستند به امام تحویل دهند، به او می رساندند و او آنها را در ظرفها و مشکهای روغن قرار داده و به حضور امام (ع) می رساند. [۱۴]

امام(ع) خود در حال تقیه بود و سرّی عمل می کرد و حتی شاگردان و شیعیان آن حضرت(ع) نیز بر محور تقیه اقدام می کردند و امام(ع) عملکرد آنان را تأیید می کرد. برای نمونه: «علی بن عاصم کوفی» می گوید: به خدمت امام عسکری(ع) رسیدم و بر دست مبارک او بوسه زدم و گفتم: من از نصرت شما عاجزم و عملی ندارم غیر از موالات و دوستی شما و بیزاری جستن از دشمنان شما و لعن بر آنها، آن هم در خلوت. حال من چگونه خواهد بود؟! امام عسکری(ع) فرمود: پدرم از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث کرد که فرمود: هر که از نصرت ما اهل بیت(ع) ضعف پیدا کند-یعنی شرایط او را در نقطه ضعف قرار دهد و نتواند در اثر خفقان شدید به یاری ما بشتابد-و در پنهان دشمنان ما را لعن کند؛ خداوند تبارک و تعالی، صورت او را به جمیع ملائکه می رساند. پس هر زمانی که یکی از شما دشمنان ما را لعن کند، فرشتگان بالا بروند و لعنت کنند کسی را که دشمنان ما را لعنت نمی کند. و هر گاه صدای دوست ما به ملائکه برسد برایش استغفار کنند و در حَقّش دعا می کنند و می گویند:

پروردگارا به روح این بنده ات که در راه یاری ما می کوشد درود  
بفرست که اگر بیشتر از این قدرت داشت انجام می داد. آنگاه ندا  
ز جانب پروردگار می آید که ای ملائکه من، استجابت کردم دعای  
شما را در حق این بنده ام و شنیدم ندای شما را، صلوات و رود  
فرستادم بر روح او و او را از نیک سیرتان قرار دادم. [۱۵]

### ۳- روش حمایتی

از جالب ترین فعالیتهای سیاسی امام عسکری علیه السلام تقویت،  
حمایت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه در برابر فشارها و سختیهای  
مبارزات سیاسی، در جهت حمایت از آرمان های بلند تشیع بود. از  
آنجا که شخصیتهای بزرگ شیعه در فشار بیشتری بودند، امام(ع) به  
تناسب مورد، هر یک از آنان را به نحوی دلگرم و راهنمایی می کرد  
و روحیه آنان را بالا می برد تا میزان تحمل و صبر و آگاهی آنان در  
برابر فشارها، فزونی یابد و بتوانند مسئولیت بزرگ اجتماعی و سیاسی

و وظایف دینی خود را انجام دهند.[۱۶] و آن در دو محور فکری و عقیدتی و مالی و اقتصادی بود.

### الف. حمایت فکری و عقیدتی:

هدف امام(ع) از پشتوانه فکری و عقیدتی شیعیان تقویت روحیه مذهبی آنان بود. او با حمایت نظری خود، آنها را از تهاجم شبهات و از شک و تردید نجات می داد. در اینجا به یک نمونه اشاره می کنم.

محمد بن ربیع شیبانی می گوید: در شهر اهواز با مردی مشرک که قائل به ثنویت بود مناظره کردم و بعد راهی شهر سامرا شدم در حالی که مقداری از حرف های آمیخته به شک او بر دلم اثر گذاشته بود. بر در خانه «احمد بن خضیب» نشسته بودم که ناگهان وجود نازنین امام عسکری(ع) را مشاهده کردم که از خانه خارج شد و نگاهی به من کرد و بدون آنکه من آغاز به سخن کنم با انگشت سبّابه به من اشاره

کرد و فرمود: احد، احد، فوحد! خدا یکی است، خدا یکی است. او را یکتا بدان. من با شنیدن این جمله از شدت احساسات و هیجان بیهوش شده و افتادم. [۱۷]

### ب. حمایت مالی:

اقتصاد و تأمین معیشت، قوام زندگی است و در تعدیل حیات معنوی نقش مهمی دارد. اختلال در نظام مالی افراد، اختلال در ابعاد معنوی آنها را به دنبال دارد. فقر و تنگدستی، اکثر افراد را به سوی فساد و انحراف دینی، اخلاقی و ضلالت و گمراهی سوق می دهد. با توجه به این اصل مهم اجتماعی است که امام حسن عسگری (ع)، از یک سو پیروان خود را از فقر و فلاکت پرهیز می داد و از طرفی آنان را تحت الحمایه مالی قرار می داد و برای رفع نیاز و کمبود زندگی آنها، همت می گماشت. به امور مالی شیعیان آسیب پذیر، سامان می بخشید تا بدین سان بتواند آنان را در گرایشهای مذهبی سیاسی خود تثبیت و حاکمان و زمامداران عباسی شیعیان را تحقیر نمایند و از

مراجعه به حاکمان و زمامداران بنی عباس بی نیاز سازد و حاکمان عباسی نیز چشم طمع به جذب و جلب آنها، ندوزند: ابوهاشم جعفری - از نوادگان جعفر طیار - می گوید: از نظر مالی در مضیقه بودم. خواستم وضع خود را طی نامه ای به امام عسکری (ع) بنویسم ولی خجالت کشیدم و صرف نظر کردم. وقتی که وارد منزل شدم، امام (ع) صد دینار برای من فرستاد و طی نامه ای نوشت: هر گاه احتیاج داشتی، خجالت نکش و پروا مکن. از ما بخواه که به خواست خدا به مقصود خود می رسی. [۱۸]

#### ۴- روش تمهیدی

زمامداران عباسی با توجه به اخبار قطعی که در مورد امام زمان (عج) از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند، می دانستند که او دوازدهمین وصی پیامبر و از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است که بعد از او، رهبری شیعیان را بر عهده می گیرد و پس از غیبت طولانی، ظهور نموده، جهان را پر از عدل و

داد می کند. از این رو عباسیان تلاش گسترده ای را آغاز کردند، تا او را شناسایی نموده و به شهادت برسانند.

امام یازدهم (ع) با آگاهی از این توطئه دشمن، سیاست تمهیدی خود را در مورد امام آینده شیعیان، در سه محور مهم پی ریزی کرد: بسترسازی برای میلاد مهدی (ع)؛ حفظ و حراست از آن وجود مبارک و آماده سازی افکار شیعه، برای غیبت طولانی.

### الف. بسترسازی برای میلاد مهدی (عج):

امام عسکری علیه السلام در میان دشمنان بی رحم و دوستان ساده اندیش قرار گرفته بود. به همین جهت با در نظر گرفتن حساسیت دشمن در تولد امام مهدی (عج) با تمام وجود می کوشید تولد او همچنان مکتوم و ناگفته بماند. در حدی که خدمتگزار منزل آن

حضرت نیز پس از مدت دو سال از تولد آن مولود مبارک هنوز آگاهی نیافته بود. [۱۹]

از طرفی هم امام بی‌م داشت تولد آن حضرت رفته رفته بر خواصّ هم، در هاله ای از ابهام بماند. به همین جهت طبق مصلحت، برخی از خواص را در جریان امر قرار می داد. چنانکه میلاد مهدی را به محمد بن اسحاق خبر داد و به او تأکید نمود که به کسی نگوید و همچنین تعدادی از چهره های برجسته شیعه، به حضور امام (ع) رسیدند در حالی که چهل نفر دیگران از شیعیان نزد آن حضرت بودند. امام پیش از آن که آنان سخن بگویند، فرمود: شما بدین جا آمده اید تا از حجت بعد از من بپرسید. در این هنگام، پسر بچه ای را به حاضران، نشان داد و فرمود: این پیشوای شما پس از من و جانشین من در میان شما است. از او فرمان برید و پس از من دچار پراکندگی نشوید که هلاکت دینی دامنگیرتان خواهد شد. [۲۰]

## ب. حفظ و حراست امام غائب:

امام عسکری(ع) بر صیانت و حفظ و حراست مهدی موعود بیشتر اهتمام می ورزید و در این مسیر، سیاستهای خاصی به کار می گرفت از جمله:

۱- اعزام امام به حج: در سال ۲۵۹ امام عسکری(ع) دریافت که حکومت جائر وقت با تلاش گسترده و جدیت تمام، درصدد دست یابی به امام آینده شیعیان حضرت مهدی(عج) است.

امام(ع) به منظور خنثی سازی این توطئه خطرناک، فرزندش را همراه مادر بزرگش در موسم حجّ به مکه معظمه فرستاد تا بدین وسیله او را از منظر دشمن دور نگه دارد و در پناه خدا از گزند دشمن در امان بماند.

۲- نیابت مادر: امام یازدهم، برای انحراف افکار دشمنان، مادر خود را که از زنان نمونه بود به عنوان وصیّ خود قرار داد تا افکار مردم را بیش از پیش به وی جلب کند و دشمنان به یقین دریابند که امام(ع) همچنان فاقد فرزند و وصیّ معصوم(ع) است. [۲۱]

### ج. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت:

غائب شدن امام و پیشوای هر قومی، یک حادثه غیر طبیعی، شگفت آور و از طرفی باور کردن آن و تحمل مشکلات ناشی از آن برای نوع مردم دشوار بود. از این رو غیبت امام زمان(عج) از صدر اسلام مطرح می شد و نام و یاد او و حتی کیفیت ظهور او بر سر زبان ها می افتاد. پیامبر اعظم (ص) بیش از هر کسی او را به عنوان آخرین خلیفه خود معرفی و حقایقی از زندگانی آن حضرت را به نسل حاضر و نسلهای آینده اسلام منعکس می کرد. پس از رسول خدا (ص) امامان و پیشوایان معصوم(ع) یکی پس از دیگری مردم را با مهدویت آشنا و

افکار عوام و خواص را برای پذیرش غیبت آن حضرت، آماده می کردند.

این کار، در زمان امام عسکری(ع) جلوه بیشتری یافت. آن حضرت با توجه به شرایط خاصّ زمان خویش، افکار عمومی به ویژه خواصّ شیعه را برای پذیرش غیبت آماده می ساخت تا مبادا مردم با شنیدن غیبت کبرای مهدی (عج) آن را انکار کنند. برای نمونه: «احمد بن اسحاق» یکی از یاران خاص و گرانقدر امام یازدهم علیه السلام می گوید: به حضور امام عسکری(ع) رسیدم. می خواستم درباره امام بعد از او بپرسم. حضرت پیش از سؤال من فرمود: «ای «احمد بن اسحاق!» خداوند از زمانی که آدم را آفرید تا روز قیامت، هرگز زمین را از «حجت» خالی نگذاشته و نمی گذارد. خداوند از برکت وجود «حجت» خود در زمین، بلا را از مردم جهان دفع می کند و باران را می فرستد و برکات نهفته در دل زمین را آشکار می سازد. عرض کردم: پیشوا و امام بعد از شما کیست؟ حضرت به سرعت برخاست و

به اتاق دیگر رفت. طولی نکشید که برگشت؛ در حالی که پسر بچه  
ای را که حدود سه سال داشت و رخسارش همچون ماه شب چهارده  
می درخشید به دوش گرفته بود

فرمود: «احمد بن اسحاق!» اگر پیش خدا و امام محترم نبودی، این  
پسر را به تو نشان نمی دادم. او همانم و هم کنیه رسول خدا است.  
زمین را پر از عدل و داد می کند. چنانکه از ظلم و جور پر شده  
باشد. او در میان امت من (از نظر طول غیبت) همچون «خضر» و  
«ذی القرنین» است. او غیبتی خواهد داشت که (در اثر طولانی بودن  
آن) بسیاری به شک خواهند افتاد و تنها کسانی که خداوند آنان را در  
اعتقاد به امامت او ثابت نگه داشته و توفیق دعا جهت تعجیل قیام و  
ظهور او را بخشیده، از گمراهی نجات می یابند. [۲۲]

فشرده سازی و نتیجه گیری

امام حسن عسکری(ع) در دورهٔ چهارم تاریخ اسلام و عصر سلطنت در سال ۲۳۲ متولد شد. و در ستمکدهٔ سه خلیفه عباسی(معتز، مهتدی و معتمد) و محیط نظامی زندگی ۲۸ ساله اش شکل گرفت. امام حسن عسکری(ع) به علت محدودیت سیاسی و جوّ خفقان، نمی توانست به صورت آزاد و مستقیم با پیروان خود در تماس باشد و از مذهب تشیع مرزبانی کند. به ناچار با چهار روش علیه حکومت وقت موضع گرفت و توانست به گسترش فرهنگ تشیع و رهبری تشکیلات شیعه پردازد: روش ارتباطی، سرّی، حمایتی و تمهیدی.

روش ارتباطی: ایجاد ارتباط با شیعیان در مناطق مختلف، از راه تعیین نمایندگی و نیابت در شهرستانها، از راه پیک و پیام و از راه مکاتبه و مبادله نامه و اعلامیه ها، انجام می شد. روش سرّی و تقیه ای که در شرایط خاص و به صورت سنجیده و هوشمندانه، صورت می پذیرفت. روش حمایتی که در امور فکری، عقیدتی، اجتماعی و اقتصادی انجام می پذیرفت. و این روش بیشتر از راه علم امامت،

اعجاز و کرامت شکل می گرفت. روش تمهیدی که در راستای حفظ و حراست فرزندش حضرت مهدی موعود(عج) و آماده سازی شیعه و مسلمانان برای غیبت صغرا و کبرای آن بزرگوار بود.

پی نوشتها

- [۱] تحف العقول، ص ۳۶۶، چاپ بصیرتی.
- [۲] سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۲۱-۶۲۲.
- [۳] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۴۱۱-۴۱۳.
- [۴] همان، ص ۲۶۹.
- [۵] سیره پیشوایان، ص ۶۳۴ به نقل از رجال کشی، ص ۵۷۵-۵۸۰.
- [۶] بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۲۳.
- [۷] سیره پیشوایان، ص ۶۳۵-۶۳۶.
- [۸] المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۷؛ الدمعة الساکبه، ج ۳، ص ۱۷۲.

[۹] سیره پیشوایان، ص ۶۳۸.

[۱۰] اعیان الشیعه، محسن امین، ج ۲، ص ۴۱.

[۱۱] علاقمندان می توانند ترجمه آن را در کتاب نگاهی به زندگی

امام حسن عسگری (ع) محمدی اشتهاردی ملاحظه کنند.

[۱۲] مدینه المعجز، سید هاشم بحرانی، ص ۵۷۱.

[۱۳] سیره پیشوایان، ص ۶۳۷، مهدی پیشوایی.

[۱۴] سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۵۸.

[۱۵] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۶.

[۱۶] ر. ک: سیره پیشوایان، ص ۶۴۲.

[۱۷] کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۰۵.

[۱۸] سیره پیشوایان، ص ۶۳۹ به نقل از الارشاد، شیخ مفید، ص ۳۴۳.

[۱۹] کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۵.

[۲۰] تاریخ تحلیلی پیشوایان، علی رفیعی، ص ۲۴۲.

[۲۱] همان.

[۲۲] کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۸۴.